

گرایش به مواد نشه‌آور در جوانان و نوجوانان و نحوه استفاده آن در شمال افغانستان (مطالعه موردی: ولایت جوزجان)

پوهندوی دکتور سید امین‌الله نصرت^۱، پوهنیار دکتور نویدالله عزیزی^۲

^۱ استاد دیپارتمنت روانی عصبی دانشکده طب دانشگاه بلخ.

^۲ استاد دیپارتمنت روانی عصبی دانشکده طب دانشگاه بلخ.

نام نویسنده مسئول:

پوهندوی دکتور سید امین‌الله نصرت

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۱۴

چکیده

مقدمه: مصرف مواد نشه‌آور و دواهای ممنوعه یکی از پدیده‌های پیچیده و مولتی فاکتوریال است که جوامع بشری را گرفتار ساخته است. در این راستا آغاز سوء مصرف مواد و تغییرات در سنین مختلف به جوانی و نوجوانی می‌باشد. مصرف مواد نشه‌آور علاوه بر اینکه در سنین جوانی شروع می‌شود، در هیچ گروه جمعیتی به این مقدار سرعت انتشار مصرف مواد نشه‌آور و سگرت وجود ندارد.

روش تحقیق: این مطالعه از نوع توصیفی - تحلیلی است که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی اطلاعات ۶۸۴ مریض معتاد به مواد نشه‌آور جمع‌آوری گردیده است. داده‌ها پس از جمع‌آوری وارد نرم‌افزار SPSS 25 گردیده تجزیه و تحلیل گردید.

یافته‌ها: جدول آمار توصیفی معنادین نظر به نحو استفاده نشان می‌دهد که از جمله ۶۸۴ تن، (۱۵۷) تن از طریق دود کردن، (۴۹۰) تن از طریق خوراکی و (۳۷) تن از طریق دود کردن و خوراکی استفاده می‌نمایند. همچنان (۱۱۵) بیکار؛ (۷۰) تن دود، (۳۰) تن خوراکی و (۱۵) تن از طریق دود کردن و خوردن مواد مصرف می‌نمایند. متعلمین معمولاً از طریق دود کردن مواد مصرف نموده و اطفال از طریق خوراکی، دهاقین از طریق دود کردن (۴۱) و (۱۰۰) خوراکی مصرف می‌نمایند. محبوسین، سربازان، غیر بیکاران و قالین بافان از طریق خوراکی و سایر از طریق خوراکی و دود کردن و خوردن استفاده می‌نمایند.

نتیجه: عوامل فردی، خانوادگی و اجتماعی و اقتصادی به صورت مشترک بستر گرایش به سمت مواد نشه‌آور را فراهم می‌کنند و امید است که نتایج این مطالعه موجب افزایش آگاهی سیاستمداران در اجرای سیاست‌ها و اقدامات پیشگیرانه و کنترل کننده اعتیاد جهت جلوگیری از پیامدهای آن فراهم نماید.

واژگان کلیدی: معتادین، مزار شریف؛ دود کردن، خوراکی، زرقی.

مقدمه

بدون شک توسعه و پیشرفت جوامع بشری مرهون نیروی انسانی سالم، متعهد، متخصص و جوان است؛ اما یکی از عواملی که در امحای نیروی انسانی سهم بسزایی دارد، پدیده بزهکاری است که امروزه گریبان گیر بسیاری از ملل شده است. از جمله مصادیق بزهکاری و رفتارهای ناهنجار، گرایش افراد به پدیده اعتیاد است. جهان در حال حاضر در کنار بحران تهدید بمب اتمی، بحران نابودی محیط زیست، بحران فقر جامعه، شاهد بحران اعتیاد است (خلیلی، ۱۳۹۳: ۱۹۰).

اعتیاد یکی از مهم ترین مشکلات عمده بر صحت بوده که میزان شیوع آن در مردان و زنان در حال افزایش می باشد. بر اساس گزارش اداره مواد و جرائم سازمان ملل نسبت زنان معتاد در جمعیت مصرف کننده مواد از ۱۰ فیصد در کشورهای آسیایی تا ۴۰٪ در کشورهای اروپایی تخمین شده است (آزاد، ۱۳۹۸: ۸۲۶).

فروش مصرف مواد نشه آور و دواهای غیرقانونی در چند دهه گذشته بسیار فراگیر شده است. این امر حاکی از بروز یک مشکل جدی در صحت جسمی، روانی و اجتماعی می باشد. مصرف مواد و عوارض پر دامنه و ناخوشایندی آن جای تأمل بسیار دارد (رابرتسون، ۱۳۸۷: ۲۳).

مصرف مواد نشه آور در میان همه افراد جامعه به خصوص جوانان چالش های زیادی را به وجود آورده است. چون آینده یک کشور مترقی به دست جوانان سالم و صحت مند است. بر اساس گزارش رادیو آزادی شمار معتادین در افغانستان سالانه ۱۲٪ افزایش می آید. از سوی دیگر نبود بودجه کافی، دسترس آسان و ارزان به مواد نشه آور از جمله مشکلات عمده در افغانستان به شمار می رود. (رادیو آزادی) در حال حاضر بیشتر از چهار میلیون معتاد در کشور موجود بوده که همه روزه شاهد آنها در جاده های شهر و همه نقاط کشور هستیم. مواد مصرفی آنها که شامل تریاک، هیروین، چرس، الکول، کوکائین، تابلت کا، شیشه، و ... غیره می باشد.

چارچوب نظری

۱- نظریه رابرت کی مرتن (Robert K Merton's Theory): مرتن اعتقاد داشت که انحراف، از ساختار اجتماعی و

فرهنگی جامعه سرچشمه می گیرد؛ بدین معنی که تمام اعضای جامعه درباره ارزش های اجتماعی مشترک باهم سهیم اند اما توزیع نابرابر فرصت ها و امتیازات به گونه ای عمل می کند که نمی توان امیدوار بود که همه افراد از راه های مشروع به هدف برسند؛ لذا یک گسستگی بین اهداف و وسایل مشروع دستیابی به هدف وجود دارد که حاصل آن عدم تناسب بین اهداف و وسایل و ایجاد فشار بر افراد برای به کارگیری شیوه های دیگری برای رسیدن به موفقیت است که با شیوه های مورد قبول جاری فرق می کند.

مرتین واکنش افراد در مقابل هدف های مورد نظر در جامعه آمریکا را با ۵ مورد نشان داده است.

الف) هم نوایی (۱؛ ب) بدعت (۲؛ ج) آیین گرایی (۳؛ د) انزوایی (۴؛ ه) شورش (۵)

از میان واکنش هایی که وی بر شمرده است، انزوایی برای تبیین مسئله مورد نظر ما مناسب است. انزوایی عبارت است از اینکه عده ای از افراد بدان علت که با وسایل مشروع و یا نامشروع به هدف نمی رسند، از تعقیب هدف دست می کشند و از پذیرش یک زندگی متعارف امتناع می کنند زیرا از طریق وسایل مشروع یا نامشروع قادر به کسب موفقیت در جامعه نیستند و برای حل این معضل، شیوه انزوایی از جامعه را پیشه خود ساخته اند. مرتن معتادان و الکلی ها را در این مقوله قرار می دهد.

¹ Conformity

² Innovation

³ Ritualism

⁴ Retreatism

⁵ Rebellion

۲- نظریه ادوین ساترلند؟

ساترلند معتقد است که کجروی امری تقلیدی و آموختنی است که از طریق یک جریان پیوند افتراقی یاد گرفته می‌شود. فرضیه اصلی ساترلند این است که کجروی مثل سایر رفتارهای اجتماعی از طریق همبستگی و پیوستگی با دیگران آموخته می‌شود. فرد باید نخست بیاموزد که چگونه می‌توان جنایت کرد... این آموزش، حاصل و نتیجه کنش و واکنش با افراد دیگر است. غالباً افراد، هم با گروه‌های منحرف و هم با افراد و گروه‌های غیر منحرف برخورد می‌کنند. ساترلند، کنش متقابل میان این گروه‌ها را برحسب فراوانی، اولویت، دوام و شدت ارتباط با یکدیگر موردسنجش قرار داده است. هر قدر سطح هریک از این ۴ متغیر، چه در خصوص گروه منحرف و چه در خصوص گروه غیر منحرف بالاتر باشد، به همان میزان احتمال بروز رفتارهای مشابه آن بیشتر است (کوئن، ۱۳۷۵:۲۲۱). به نظر ساترلند جرم زمانی اتفاق می‌افتد که موقعیت مناسب آن برای عامل رفتار فراهم می‌شود. به‌طور کلی وی انحراف را امری آموختنی، ناشی از تعامل با دیگران منحرف و تا حدودی درون گروهی می‌داند.

۳- نظریه ریچارد کلوارد و لوید اوهلین:۷

تراویس هیرشی، یکی از صاحب‌نظران نظریه کنترل اجتماعی، معتقد است که قیود و وابستگی‌های اجتماعی دارای چهار عنصر اصلی است: عنصر اول علاقه یا ارتباط مهم با اشخاص معین دیگر است. کسانی که به دیگران علاقه و توجه دارند، رفاه و احساسات این‌گونه مردمان را در نظر می‌گیرند لذا مایل اند با مسئولیت عمل کنند؛ و بالعکس، کسانی که چنین علاقه‌ای ندارند نگران این نیستند که روابط اجتماعی خود را به خطر اندازند و لذا بیشتر احتمال دارد که دزدی کنند و یا مواد نشه‌آور استعمال نمایند. عنصر دوم تعهد یا دینی است که مردم نسبت به جامعه دارند. هر چه قدر سرمایه‌گذاری مردم در تحصیلات، سوابق شغلی، خانه و سایر دارایی‌های خود بیشتر باشد، دلیل بیشتری دارند که همنوا باشند تا بتوانند از دستاوردهای خود حفاظت نمایند و برعکس. عنصر سوم مشغولیت و گرفتاری یا مشارکت مداوم در فعالیت‌های غیرانحرافی است چون وقت و انرژی محدود است؛ لذا شخصی که عموماً مشغول است، مثال به کار، سرگرمی یا زندگی خانوادگی، فرصت کمتری دارد که در اعمال انحرافی مشارکت جوید و برعکس. اگر مردم قویاً باور داشته باشند که برخی اعمال انحرافی غلط است، مشارکت جستن در آن‌ها برایشان دور از تصور است و برعکس. عنصر چهارم ایمان یعنی وفاداری فرد به ارزش‌ها و اصول اخلاقی است (رابرتسون: ۶: ۱۳۷۲-۱۷۵). به‌طور کلی به نظر هیرشی، بزهکاری افرادی که به خانواده، محل تحصیل، محل کار و دوستان خود دل‌بستگی دارند، به مراتب کمتر از کسانی است که دل‌بستگی چندانی ندارند. فرض هیرشی بر این است که کسانی که تقلید زیادی به همنوایی ارزش‌های عام جامعه دارند، عمدتاً در پیروی از ارزش‌های خرده‌فرهنگ بزهکاری یا ارزش‌های جامعه بردند، در نتیجه بزهکاری جوانانی که دچار کشمکش اند، کمتر از جوانانی است که جزو خرده‌فرهنگ بزهکاری اند و تقلید چندانی به همنوایی با ارزش‌های مقبول جامعه ندارند (الهی، ۱۳۸۷: ۱۸۷). به‌طور کلی از نتایج کار پژوهشی هیرشی می‌توان مطالب زیر را برجسته تر یافت.

الف: هر چه رابطه فرزند با والدین نزدیک تر باشد، تعلق خاطر و همسانی بیشتری با آنها یافته، احتمال بزهکاری وی کم می‌شود.

ب: بی‌علاقگی کلی به مدرسه، بیزاری از طرح و نظر معلمان برای آینده محصلان و نیز اعتقاد به عدم دخالت مدرسه در رفتار شخصی محصلان با سطح بالایی از بزهکاری مرتبط است. به‌طور کلی هر چه علاقه محصل به محیط مدرسه و هنجارهای آن بیشتر باشد، احتمال بزهکاری وی کمتر است.

۵- نظریه تعامل‌گرایی

دیدگاه تعامل‌گرایی ۸ چگونگی و علت منحرف تلقی شدن که افراد و گروه‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهد و تأثیرات چنین چهره‌های از آنان بر رفتار آینده‌شان را به بررسی می‌نشیند.

⁶ Edwin Sutherland's Theory

⁷ Richard Cloward & Lloyd Ohlin's Theory

⁸ Interactionism

۵-۱- تئوری انگ‌زنی هوارد بکر^۹

به عقیده بکر انحراف، کیفیت عملی نیست که شخص مرتکب می‌شود، بلکه نتیجه‌ای از کاربرد قانون و مجوزهایی است که بر علیه یک مجرم اعمال می‌شود. فرد منحرف کسی است که برچسب انحراف به او زده شده است. رفتار انحرافی رفتاری است که مردم به آن چنین برچسبی می‌زنند (صفوی، ۱۳۷۰: ۳۹). از نظر وی یک برچسب معمولاً فرد را به‌عنوان شخصی خاص توصیف می‌کند؛ زیرا برچسب معنی خنثی ندارد؛ بلکه در بردارنده ارزیابی از فردی است که بر او برچسب زده شده است (shnghnessy, 2009: 1089). این برچسب معمولاً یک عامل مسلط محسوب می‌شود و دیگران بر اساس این برچسب با وی تعامل می‌نمایند چون تصویری که فرد از خود دارد معمولاً از واکنش دیگران نسبت به وی مشتق می‌گردد. ممکن است وی خود را همان‌طوری بپندارد که به وی برچسب زده شده است، لذا این امر ممکن است هویت فرد منحرف را بر وی غالب کند و بر روابط اجتماعی، خانوادگی و شغلی وی اثر منفی بگذارد و از سویی برخوردهای قانونی با منحرفین نیز می‌تواند مانعی باشد برای این‌که وی به شیوه معمول، زندگی خود را ادامه دهد. انحراف فرد وقتی بیشتر تثبیت می‌شود که فرد از گروه‌های اجتماعی مانند خانواده و محیط کار و... بگسلد و در گروه‌های سازمان‌یافته‌ای از منحرفین پذیرفته شود و هویت انحرافی خود را تأیید کرده و بپذیرد، افرادی که از موقعیت مشابهی نظیر وی برخوردارند، از او حمایت نمایند و آنگاه در داخل این گروه، یک‌خرده فرهنگ انحرافی به وجود بیاید. البته در نهایت، بکر می‌پذیرد که این فرآیند هرگز گریز ناپذیر نیست (باری، ۱۳۸۲: ۳۳).

۵-۲- نظریه ادوین لمرت^{۱۰}: واکنش اجتماعی به منزله علت انحراف

ادوین لمرت نیز همچون بکر بر اهمیت نقش واکنش‌های اجتماعی نسبت به فرد منحرف تأکید دارد. وی انحراف را در دودسته طبقه‌بندی کرده است.

الف: انحراف اولیه شامل آن دسته از اعمال انحرافی است که پیش از آنکه برچسب عمومی زده شود رخ می‌دهند. این انحرافات معمولاً به گونه‌ای یک رفتار عادی تلقی می‌شوند.

ب: انحراف ثانویه واکنشی است که فرد یا گروه منحرف نسبت به بازتاب اجتماعی نشان می‌دهند، بازتابی که هویت انحرافی وی را از طریق اعطای برچسب انحرافی از سوی جامعه شکل می‌دهد. لمرت بر آن است که انحراف ثانویه چون عواقب عمدی بر شخصیت فرد، موقعیت وی در جامعه و اعمال وی در آینده دارد، بایستی مورد مطالعه و تحقیق قرار گیرد زیرا علل اصلی انحراف ثانویه از صحنه خارج می‌شوند، ولی پیامد آن واکنش اجتماعی نظیر منزوی کردن فرد منحرف و خوار شماری وی است که پابرجا میماند و به همین دلیل است که وی واکنش اجتماعی را علت انحراف می‌داند (محمدخانی، ۱۳۸۱: ۳۲).

۵-۳- نظریه اروینگ گافمن^{۱۱} انحراف و نهاد درمانی

از نظر تعامل‌گرایان، نهادهای مختلفی مانند زندان، مراکز بازپروری، تیمارستان و مراکز مصالح و تربیت که برای درمان انحراف تشکیل شده‌اند، مجموعه‌ای هستند که برچسب انحراف را هم بر فردی که برچسب خورده و هم برای کل جامعه مورد تأیید قرار می‌دهند. گافمن بر آن است که مقررات این نهادها و چگونگی تعاملشان با افراد تحت درمان و مراقبت، بر فرد فشار وارد می‌کند تا هویتی را که آنان برایش قائل‌اند بپذیرد. آنها از او هویت زدایی می‌کنند و طی یک فرآیند، برای وی شخصیت و هویت جدیدی می‌سازند، نظیر این‌که وی دچار لغزش اجتماعی است، شکست‌خورده است و شایستگی‌های یک فرد عادی را ندارد. یک حالت مهم این است که این افراد القانات این نهادها را بپذیرند و خود را منحرفینی درمانده و بیچاره بدانند. ممکن است که آنان برای زندگی بیرون از مؤسسه، آماده نباشند و بر اثر این القانات و مجموعه ارتباطها و در هم ورزی‌هایی که فرد تحت درمان را در درون مؤسسه تحت تأثیر قرار می‌دهد، هویت فرد منحرف را بپذیرند؛ خصوصاً دیرپاترین و بااهمیت‌ترین نتیجه زندان رفتن یک فرد، برچسبی است که به‌عنوان فرد معتاد یا زندان‌رفته بر وی زده شده است و این برچسب بازگشت وی به جامعه را به‌عنوان یک فرد عادی و قابل احترام مشکل می‌سازد (مجاهد، ۱۳۸۱: ۶۶).

⁹ Howard Becker Labeling Theory

¹⁰ Edwin Lamer's Theory

¹¹ Erving Gufman's Theory

پیشینه تحقیق

عبدلی سلطان و امانی (۱۳۹۵)، تحقیقی تحت عنوان عوامل مؤثر بر سوء مصرف مواد نشه‌آور جوانان در ایران تحلیل نقشه‌های شناختی فازی مبتنی بر نظرات متخصصان انجام دادند. نتایج نشان می‌دهد از نظر متخصصان به ترتیب متغیرهای اعتیاد اعضای خانواده با درجه بیرونی ۱.۵۴، بیکاری با درجه بیرونی ۱.۳۲ و همسالان منحرف با درجه بیرونی ۰.۸۸ بیشترین تأثیر را بر اعتیاد دارند. همچنین، از نظر این متخصصان اعتیاد توان فرد برای مقابله با مشکلات زندگی را کاهش می‌دهد، ناتوانی در حل مشکلات نیز باعث افزایش احساس انزوا در فرد می‌شود و این امر نیز باعث تشدید اعتیاد فرد می‌گردد (Abdli Soltan Ahmadi, Arevalo & et. All. & Amanii, 2016). تحقیقی تحت عنوان معنویات، احساس وابستگی و واکنش‌های کنار آمدن در زنانی که در درمان‌های مرتبط با اعتیاد به مواد و الکل دریافت می‌کنند، انجام دادند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد درمان‌های پیشرفته‌ای سوء مصرف مواد که باعث افزایش معنویت، احساس تعلق و واکنش‌های تحمل‌کننده باشد، می‌تواند به زنان معتاد کمک کند بهتر فشارهای ناشی از درمان و پس‌از آن تحمل کنند (Arevalo & et all. 2008). وردی پور در سال ۱۳۸۶ در تحقیقی به بررسی الگو و علل گرایش جوانان به سوء مصرف مواد در ایران پرداختند. نتایج نشان می‌دهد مصرف سگرت ۹۳٪، الکل ۹۲.۵٪، حشیش ۶۴.۳٪ و تریاک ۵۷.۸٪ در بیشترین میزان و کوکائین ۲.۳٪ و LSD ۴.۸٪ در حداقل مقدار در طول عمر و در این راستا سگرت، الکل و حشیش به عنوان ماده آغازین برای مصرف مواد می‌باشند. همچنین سنین ۱۲ تا ۱۸ سالگی بحرانی‌ترین سنین برای تجربه اول مواد (۷۷.۸٪) می‌باشد (وردی پور، ۱۳۸۶: ۴۰).

خلیلی و همکاران در سال ۱۳۹۳ تحقیقی را تحت عنوان ویژگی‌های جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی معتادین به مواد نشه‌آور مراجعه‌کننده به مراکز ترک اعتیاد خراسان شمالی انجام دادند. نتایج تحقیق نشان داد که از ۷۳۴۲ نفر از سوء مصرف کنندگان مواد نشه‌آور که تحت تدابیر مرکز درمان نگهدارنده با متادون بودند، مورد بررسی قرار گرفتند؛ که از این تعداد ۸۲.۵ فیصد مرد و ۱۷.۵ فیصد بودند. ۸۷.۵ فیصد مریضان مورد مطالعه متاهل و ۶.۶ فیصد مجرد و ۵.۹ فیصد مطلقه بودند. ۹.۵٪ مریضان سابقه مصرف تریاک و ۱.۴٪ علاوه بر تریاک مصرف هرویین و کراک و ۲.۸٪ سابقه مصرف شیشه داشتند (خلیلی، ۱۳۹۳: ۱۹۶).

روش تحقیق

تحقیق حاضر یک تحقیق کاربردی - توصیفی بوده که اطلاعات از طریق اطلاعات موجود در شفاخانه معتادین ولایت جوزجان به دست آمده است. روش نمونه‌گیری تحقیق حاضر تصادفی ساده بوده که به تعداد (۶۸۴) معتاد می‌باشد. داده‌ها پس از جمع‌آوری وارد نرم‌افزار SPSS 25 گردیده سپس تجزیه و تحلیل گردیده است.

تجزیه و تحلیل:

جدول (۱) آمار توصیفی معتادین نظر به نحوه استفاده

		Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid	دود کردن	157	23.0	23.0	23.0
	خوراکی	490	71.6	71.6	94.6
	دود کردن و خوردن	37	5.4	5.4	100.0
	Total	684	100.0	100.0	

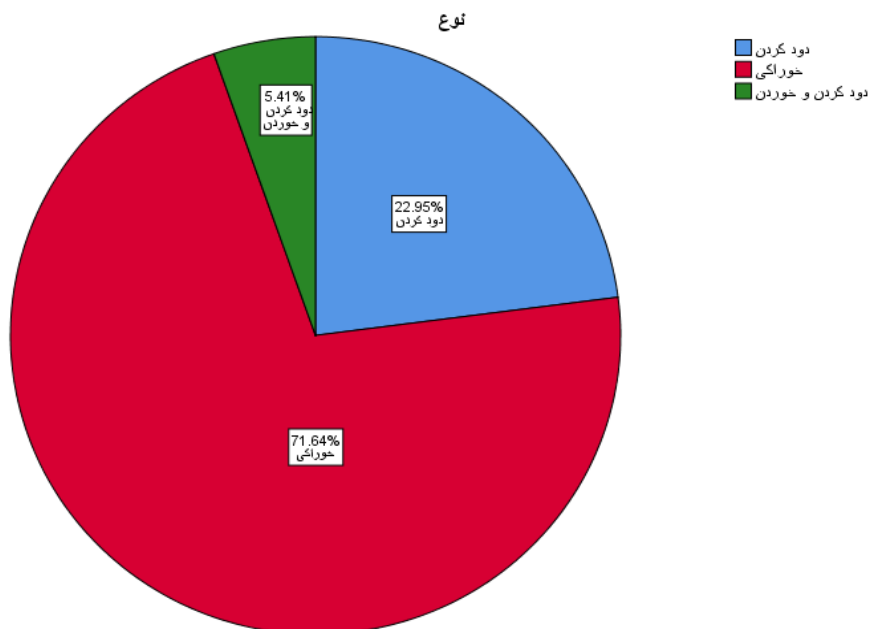
جدول آمار توصیفی معتادین نظر به نحوه استفاده نشان می‌دهد که از جمله ۶۸۴ تن، (۱۵۷) تن از طریق دود کردن، (۴۹۰) تن از طریق خوراکی و (۳۷) تن از طریق دود کردن و خوراکی استفاده می‌نمایند که بر اساس فیصدی به ترتیب ۲۳٪، ۷۱.۶٪ و ۵.۴٪ را تشکیل می‌دهد.

جدول (۲) آمار توصیفی معنادین نظر به شغل و جنسیت

		Frequency	Percent	Valid Percent	Cumulative Percent
Valid	بیکار	115	16.8	16.8	16.8
	متعلم	4	.6	.6	17.4
	دریور	13	1.9	1.9	19.3
	اطفال	43	6.3	6.3	25.6
	دهقان	141	20.6	20.6	46.2
	خانمها	140	20.5	20.5	66.7
	محبوس	35	5.1	5.1	71.8
	سرباز پولیس	6	.9	.9	72.7
	غیر بیکار	90	13.2	13.2	85.8
	قالین باف	7	1.0	1.0	86.8
	متفرقه	90	13.2	13.2	100.0
	Total	684	100.0	100.0	

جدول (۲) آمار توصیفی معنادین نظر به شغل نشان می‌دهد که از جمله (۶۸۴) تن، (۱۱۵) تن بیکار، (۴) تن معلم، (۱۳) تن دریور، (۴۳) تن اطفال، (۱۴۱) تن دهقان، (۱۴۰) تن خانمها، (۳۵) تن محبوسین، (۹۰) تن غیر بیکار، (۷) تن قالین باف و (۹۰) تن متفرقه می‌باشد.

پای جارت (۱) نوع مواد نشه آور



جدول (۳) آمار توصیفی معنادین نظر به نوع استفاده و شغل و جنسیت

		Count												
		شغل											Total	
		مغزته	قالین باف	غیربیکار	سرباز	محبوس	خانم ها	دهقان	اطفال	دریور	معلم	بیکار		
نوع	دود کردن	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	157
	خوراکی	53	7	90	6	35	140	141	43	0	0	30	30	490
	دود کردن و خوردن	37	0	0	0	0	0	0	0	0	0	15	15	37
Total		90	7	90	6	35	140	141	43	13	4	115	115	684

جدول (۳) نشان می‌دهد که از جمله (۱۱۵) بیکار؛ (۷۰) تن دود، (۳۰) تن خوراکی و (۱۵) تن از طریق دود کردن و خوردن مواد مصرف می‌نمایند. متعلمین معمولاً از طریق دود کردن مواد مصرف نموده و اطفال از طریق خوراکی، دهاقین از طریق دود کردن (۴۱) و (۱۰۰) خوراکی مصرف می‌نمایند. محبوسین، سربازان، غیر بیکاران و قالین بافان از طریق خوراکی و سایر از طریق خوراکی و دود کردن و خوردن استفاده می‌نمایند.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری

اعتیاد و گرایش به مصرف مواد نشه‌آور بحرانی است به‌ویژه در مهر و موم‌های اخیر به دورنی ترین وجوه زندگی فردی و اجتماعی افراد رسوخ کرده و حیات فعال و روبه پیشرفت این اقشار را با مخاطرات هولناکی مواجه نموده است که به‌هیچ‌وجه قابل چشم‌پوشی و نادیده گرفتن نیست. این بحران، مانند بسیاری دیگر از بلاهای طبیعی و اجتماعی، تک عاملی نبوده و طیف وسیعی از علل و عوامل داخلی و خارجی، شخصی و غیرشخصی، در آن می‌تواند دخیل باشد. تحقیق حاضر که به بررسی عوامل مؤثر در گرایش به مواد نشه‌آور و نحوه استفاده آن در ولایت جوزجان پرداخته است.

جدول آمار توصیفی معنادین نظر به نحوه استفاده نشان می‌دهد که از جمله ۶۸۴ تن، (۱۵۷) تن از طریق دود کردن، (۴۹۰) تن از طریق خوراکی و (۳۷) تن از طریق دود کردن و خوراکی استفاده می‌نمایند. همچنان (۱۱۵) بیکار؛ (۷۰) تن دود، (۳۰) تن خوراکی و (۱۵) تن از طریق دود کردن و خوردن مواد مصرف می‌نمایند. متعلمین معمولاً از طریق دود کردن مواد مصرف نموده و اطفال از طریق خوراکی، دهاقین از طریق دود کردن (۴۱) و (۱۰۰) خوراکی مصرف می‌نمایند. محبوسین، سربازان، غیر بیکاران و قالین بافان از طریق خوراکی و سایر از طریق خوراکی و دود کردن و خوردن استفاده می‌نمایند. در اخیر عوامل فردی، خانوادگی و اجتماعی و اقتصادی به‌صورت مشترک بستر گرایش به سمت مواد نشه‌آور را فراهم می‌کنند و امید است که نتایج این مطالعه موجب افزایش آگاهی سیاست‌مداران در اجرای سیاست‌ها و اقدامات پیشگیرانه و کنترل کننده اعتیاد جهت جلوگیری از پیامدهای آن را فراهم نماید.

منابع و مراجع

- [۱] آزاد، سارا افشاری، حجازی، شیرین و نسیم اللهویردی. (۱۳۹۸). بررسی عوامل مؤثر در گرایش به مواد نشه‌آور و روان‌گردان زنان مراجعه‌کننده به مراکز ترک اعتیاد وابسته به بهزیستی شهر تهران، مجله پرستاری و مامایی، دوره هفدهم، شماره دهم، صص ۸۲۶-۸۳۹.
- [۲] خلیلی، مینا نوروزی؛ حجت، سید کاوه؛ دلویی، محمد خواجه؛ عرفانیان، مجید رضا و آرش اکابری. (۱۳۹۳). ویژگی‌های جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی معتادین به مواد نشه‌آور مراجعه‌کننده به مراکز ترک اعتیاد خراسان شمالی، مجله دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، شماره ششم، دوره ۱، صص ۱۸۹-۱۹۷.
- [۳] رابرتسون، یان. (۱۳۷۲). درآمدی به جامعه، ترجمه حسین بهروان، انتشارات قدس رضوی: مشهد.
- [۴] رفیع پور، فرامرز. (۱۳۷۸). آنومی یا آشفتگی اجتماعی، پژوهشی درزمینه پتانسیل آنومی در شهر تهران، تهران، انتشارات سروش.
- [۵] صفوی، امان‌الله. (۱۳۷۰). انحرافات اجتماعی، نشر کلمه: تهران.
- [۶] کوئن، بروس. (۱۳۷۵). مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه غلام‌عباس توسلی و رضا فاضل، چاپ ششم، انتشارات سمت: تهران.
- [۷] الهی، علی فیض. (۱۳۸۷). عوامل اجتماعی مرتبط با اعتیاد در بین جوانان استان ایلام، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال هفتم، شماره ۲۹، ۱۵۵-۱۷۲.
- [۸] مجاهد، عزیزالله و بخشانی، نورمحمد. (۱۳۸۴). شیوع مصرف سیگار و مواد نشه‌آور در دانش آموزان دبیرستانی زاهدان، طبیب شرق بهار.
- [۹] محمد خانی، شهرام. (۱۳۸۱). پیشگیری از مصرف الکل، سیگار و سایر مواد، فصلنامه پیام مشاور، سال چهارم شماره ۷.
- [۱۰] وردی پور، حمیدالله؛ فرهادی‌نسب، عبدالله، بشیریان، سعید؛ حسین محبوب. (۱۳۸۶). الگو و علل گرایش جوانان به سوءمصرف مواد، مجله دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی، دوره پانزدهم، شماره چهارم، صص ۳۵-۴۲.
- [۱۱] یاری، حسین. (۱۳۸۲). بررسی جامعه‌شناختی علل مؤثر در بازگشت مجدد معتادان در زندان وکیل آباد مشهد، فصلنامه علمی، پژوهشی سوء مصرف مواد، سال دوم، شماره پنجم.
- [12] Abdoli Sultan Ahmadi, J. and Amani, J. (2016). "Factors Influencing Young People's Drug Abuse in Iran: An Analysis of Fuzzy Cognitive Maps Based on Opinions of Specialists", Quarterly Journal of Addiction Research on Substance Abuse, Tenth, Thirty and Nine. (Persian).
- [13] Arevalo, S. and Guillermo P., Hortensid, A. (2008). Spiritually, sense of coherence. And coping responses in women receiving treatment for alcohol and drug addiction. Evaluation and program planning, p. 113- 123.
- [14] Shnghnessy L. Tobacco, (2009). Alcohol and Other Drug Use Among High School Students in Bureau of Indian Affairs Founded Schools. Morbidity and Mortality; 52(44): 1070-1072.
- [15] Stevell B. K (1995). Drug abuse Handbook. United States of American, 529.
- [16] Yonker, J.E., Schnabelrauch, CA., DeHaan, LG. (2012). The relationship between spirituality and religiosity on psychological outcomes in adolescents and emerging adults: A meta-analytic review. J Adoles, 35(2), 299-314.
- [17] <https://da.azadiradio.com/a/29932905.html>